

پایان بحث انتخابات نظامی

آغاز سازماندهی فراکسیون منتقد

هیچ فرد سیاسی و دنبال کننده رویدادهای ایران، اگر در این زمینه جدی و پیگیر باشد، نباید انتظار داشته باشد، ما در سرمقاله این شماره خود، درباره شیوه برگزاری مرحله دوم انتخابات و یا مجموعه آنچه که بعنوان کارنامه برگزاری انتخابات مجلس هشتم در برابر مردم است مطالبی بنویسیم. همان زمان که سفرهای استانی محمد خاتمی برای تدارک انتخابات مجلس هشتم قطع شد و هاشمی رفسنجانی نیز سفرهایش در این ارتباط به مراکز استان ها را متوقف کرد، از روز آشکارتر بود که طراحان و سکنداران سیاست نظامی حاکم نه خیال قبول شکست خود را دارند و نه توان تجدید نظر در آن را. بنابراین، می کوشند قدرت را انحصاری تر در دست خود نگهدارند و از شکاف در بدنه حاکمیت خویش جلوگیری کنند. این نکته ایست که همان زمان نیز ما در سرمقاله های انتخاباتی خود به آن اشاره کردیم. در این میان و فاصله، یگانه تلاش مقدور و ممکن، نه پیروزی در انتخاباتی که با "فرمان" برگزار شد، بلکه این می توانست باشد که یک فراکسیون منتقد سیاست نظامی حاکم در مجلس حضور یابد، حتی در اندک ترین شمار. این امکان، علیرغم همه تقلب ها، خواندن آراء، شمارش دستی صندوق ها و دهها سد و ممنوعیت و بی اعتنائی ناشی از خشم و نارضائی مردم نسبت به انتخابات، سرانجام تحقق یافت. این که چنین فراکسیونی متشکل از چه شخصیت ها، با چه توانی باشد، مهم بود و هست، اما نه باندازه نفس وجود چنین فراکسیونی در مجلس. چرا که، چنین فراکسیونی را می توان در یک ارتباط سازمانی و ارگانیکی از بیرون مجلس هدایت کرد. امری که در طول حیات پارلمان و مجلس در ایران سابقه داشته است. شرایط و حوادث از دل خود سخنگویان این فراکسیون را میتواند آبدیده کند. چنان که در مجلس هفتم - بویژه در ماه های آخر آن- شاهد شدیم. کافی است نگاهی به فراکسیون کم شمار اما موثر مجلس چهارم در آخرین سال های حکومت احمد شاه قاجار و خیز برداشتن رضاخان سردار سپه برای برقرار کردن سلطنت پهلوی انداخته شود تا دیده شود که چنین امکانی به چه معنائی است. این درست است که در آن فراکسیون اقلیت امثال مدرس و ملک الشعرا بهار حضور داشتند، اما آنها نیز خود فرزندان سیاسی حوادث دوران خود بودند و در همین مجلس و مجلس دوره قبل آن، یعنی مجلس سوم تبدیل به چهره های سیاسی و نه ادبی و روحانی شدند.

با این نگاه به انتخاباتی که برگزار شد، عملاً و همانگونه که در بالا طرح کردیم، اکنون بحث بر سر مجلسی است که تشکیل می شود، نه انتخاباتی که برگزار شد و بصورت فرماندهی و فرمایشی هم برگزار شد. حاکمیت علیرغم همه تلاشی و تقلبی که کرد و همه نقشه و تمایلی که داشت نتوانست مجلس را یکدست و در خدمت سیاست نظامی خویش شکل بدهد و این خود یک پیروزی است. پیروزی است، زیرا نشان داد که جنبش نارضائی و مقابله با حاکمیت آنقدر قوه و قدرت دارد که در بزرگترین تنگناها نیز، آنجا که کمترین فرصت را پیدا می کند، به فعل در می آید. چنان که در این انتخابات نیز، هم با دهن کجی و شرکت نکردن در آن و هم با شرکت اما رای (خوانده شده و خوانده نشده) به کاندیداهای منتقد و اصلاح طلب به فعل در آمد. بنابراین و پیش از آنکه وعده و وعید برای انتخابات آینده ریاست جمهوری بدهیم، باید به "شکل بخشی" به فراکسیونی که بعنوان منتقد حاکمیت در مجلس تشکیل می شود بیاندیشیم و جهت گیری آن را مشخص کنیم. این فراکسیون با بیشترین نرمش سیاسی، باید هر

چه ممکن است گسترده شود و از نظر ما، یگانه هدف بزرگی که می تواند در خدمت این وظیفه قرار گیرد، همانا تمرکز روی نقد سیاست نظامی حاکم در تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی؛ جنگی، اتمی و اجتماعی آنست. بدون شتاب و عجله و گام به گام با حوادث میتوان و باید جلو رفت و برای ورود دیگران به این فراکسیون پهلوی باز کرد. بنظر ما حوادث بزرگی در کمین ایران و حاکمیت است و برای چنین حوادثی باید آماده شد. همه متفکرانی که در مجلس ششم بودند، همه افراد باسابقه و خوشنام حاکمیت سه دهه گذشته، حتی منتقدان مذهبی و غیر مذهبی خارج از حاکمیت نیز ضروری است فکر، توان، پیشنهاد و اطلاعات خود را در اختیار چنین فراکسیونی قرار دهند. بی شک حاکمیت خواهد کوشید چنین ارتباطی برقرار نشود و جنگ روانی را در مطبوعات حکومتی برای تحقق نیافتن آن آغاز خواهد کرد، اما بنظر ما، اولاً این جنگ روانی باعث آگاهی بیشتر مردم خواهد شد و دوم، اهمیت، ضرورت و کاربرد آن از یکسو و وحشت حاکمیت از چنین ارتباطی را از سوی دیگر به نمایش خواهد گذاشت. هر بحثی که مخاطبش افراد باشند نه به صلاح این فراکسیون است و نه به صلاح کار بزرگی که فراکسیون منتقد در مجلس باید انجام دهد. بنابراین، باید روی سیاست ها و مرکز ثقل همه سیاست های جاری و حاکم متمرکز شد، که آن نیز نیست جز سیاست نظامی و کشاندن کشور به کام جنگ و ویرانی. ادامه این سیاست- اگر سرعت اصلاح نشده و راه بازگشت طی نشود- سرنوشتی جز این دو نتیجه نخواهد داشت:

۱- بردن کشور به کام جنگی تازه و مرگ و ویرانی، که شکست بزرگ را در پی خواهد داشت.

۲- ورود به عرصه زدوبند و معامله با امریکا و حتی اسرائیل، که این نیز خود شکستی بزرگتر از اولی است.

در هر دو حالت ریزش نیرو و درکل حاکمیت نظامی- به شمول بدنه سپاه و حتی شماری از فرماندهان آن- آغاز خواهد شد و فصل جدیدی از دفتر جمهوری اسلامی گشوده خواهد شد. باهمین نگاه است که ما بعنوان ادامه دهندگان مثنی توده ای توصیه می کنیم، بی شتابزدگی و با حرکت منسجم و آگاهانه باید آماده تحولات آینده شد و مجلس آینده، علیرغم همه کوششی که برای فلج بودن آن و یا تبدیل شدنش به ماشین تصویب قوانین منطبق با سیاست جنگی شد، یکی از صحنه های مهم رویارویی دو سیاست نظامی- جنگی و منتقدان این سیاست خواهد بود. این امکان را - هر اندازه به ظاهر کوچک و محدود - نباید دست کم گرفت و برای آن تنظیم برنامه نکرد.